

دعا

[با دعا‌هایی از قرآن کریم]

آیت الله علامه سید ابو الفضل ابن الرضا برقی قمی (رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ)

(۱۲۸۷ - ۱۳۷۰ شمسی)

© دار العقيدة للنشر والتوزيع، ١٤٣٥ هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

القمي، سيد أبو الفضل الرضا البرقي

الدعاء مع أدعية من القرآن الكريم / الفارسية. / سيد أبو الفضل الرضا البرقي القمي؛ المدينة المنورة، ١٤٣٥ هـ

٢٤×١٦، ٥ سم

ردمك: ٩٧٨-٦٠٣-٩٠٤٢٩-٧-٦

١. القرآن - أدعية ٢. الأدعية والأذكار أ. العنوان

١٤٣٥ / ١٩٨٣

ديوي: ٢٢٩، ٣

شناسنامه كتاب

نام كتاب:

دعا [با دعاهاي از قرآن كريم]

تأليف:

آيت الله العظمى علامه سيد ابوالفضل ابن الرضا برقي قمي

(١٤١٤ - ١٣٣٠ هـ. ق مطابق با ١٣٧٠ - ١٢٨٧ شمسي)

www.borqei.com

سال چاپ:

١٣٩٣ هـ. ش / ١٤٣٥ هـ. ق

آدرس ايميل:

contact@mowahedin.com

www.aqeedeh.com

www.islamland.com

www.islamhouse.com

www.sadaislam.com

www.videofarsi.com

www.islamtxt.net

www.mowahedin.com

سایت های مفید:



Mowahedin Group

contact@mowahedin.com

۳

۳

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مجموعه کتاب‌های موحدین.....	۱
مقدمه‌ی ناشر.....	۵
تذکر.....	۸
[مقدمه‌ی نویسنده].....	۹
فصل اول.....	۱۱
[دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد].....	۱۱
[در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است].....	۱۱
فصل دوم.....	۱۳
[قرآن بهترین دعاها را دارد].....	۱۳
[اکثر کتاب‌های دعا باطلند].....	۱۳
[عباس قمی از جهل مردم می‌نالده ولی خودش...]	۱۴
فصل سوم.....	۱۶
فصل چهارم.....	۱۷
[ضررهای دعاها را اختراعی].....	۱۷
[برهان از قرآن].....	۱۸
[توضیح در باره استمداد برادران یوسف علیه السلام از پدرشان].....	۲۰
[آیا امام همه زبان‌ها را می‌داند و همه وقت در همه جا حاضر است؟].....	۲۱
[توضیح درباره‌ی آیه‌ی ﴿وَأَسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ﴾].....	۲۲

۲۳[آیا خدا وزیر دارد؟]

۲۴[وسیله قرار دادن نیکان شرک است]

۲۵[در دعا‌های باطل بخدا اهانت می‌شود]

۲۶[قرآن بهترین پناهگاه]

۲۸فصل پنجم

۲۸دعا‌های قرآنی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده

۳۴دعا‌های قرآنی که به کلمه ﴿رَبِّ﴾ ابتداء شده است

۳۸بعضی از آیاتی که قرائت آن بسیار مفید است

مقدمه‌ی مجموعه کتاب‌های موحدین

حمد و سپاس خداوندی که نعمت اسلام را بر بندگان خود ارزانی داشت و از میان آنان، بهترین و پاک‌ترین را برای ابلاغ پیام آزادی و آزادی‌گری برگزید؛ و درود و سلام پروردگار یکتا بر اهل بیت بزرگوار، صحابه کرام و تابعین گران‌قدر پیامبر دوستی و رحمت.

دینی که امروز مفتخر به آنیم، ثمره مجاهدت‌ها و از جان گذاشتگی‌های مردان خداست؛ آنانی که در راه حفظ و نشر پیام الهی، خالصانه مهر حق در دل و مهر نام پاکش بر لب داشتند و در راه صیانت از سخن خداوند سبحان و سنت پیامبر مهربان، جان و مال و عرض بر کف نهادند و جز خشیت و خوف آفریدگار، ترسی به دل راه نداند.

آری، اسلام عزیز این گونه رشد کرد و بالید و بر بلندای آسمان بانگ یکتاپرستی و برابری سر داد. در این میان اما، دست تطاول دشمنان قسم خورده و جورِ عالمان مُتَهتَک و جاهلان مُتَنَسِّک، بر قامت رعنای دین حق نشست و شرک و غلو و گزافه و دروغ، چنان طوفانی بر پا کرد که چهره زیبای آیین حق، در پسِ دروغ‌پردازی‌های غوغا سالاران دین فروش در مُحاق افتاد. این روندِ دوری از حقایق دین و سنت حسنه رسول الله، به ویژه پس از روی کار آمدن پادشاهان صفوی در قرن نهم هجری و زمامداران جمهوری اسلامی در عصر حاضر، سیر صعودی گرفت؛ تا جایی که امروز، مساجد محل سینه زنی و عزاداری است و صدای قرآن بر نمی‌خیزد مگر بر مزار مردگان؛ روایات شاذ و خودساخته، جایگزین سنت پیامبر شده است و

مداحان جاهل و عوام‌فریب، تبدیل به فرهنگ ناطق دین شده‌اند؛ تفسیر به رأی و روایات مجعول، مستمسکی شد برای جدایی انداختن بین شیعه و سنی؛ و دریغ که ندانستند از این تفرقه و خصومت، بهره و منفعت از آن کیست؟

آنچه امروز به نام تقریب مذاهب اسلامی در ایران سر می‌دهند، چیزی نیست مگر هیاهوی تبلیغاتی و گرد و خاک سیاسی که در سایه پوشش رسانه‌ای گسترده، مقصودش جلب توجه سیاسی و ترسیم چهره‌ای مناسب از حکومت شیعی ایران در جهان است. نگاهی به عملکرد سردمداران و روحانیون و مراجع شیعه ایران، خود گویای این حقیقت است که تقریب مذاهب و دوستی و برادری دینی به شیوه زمامداران ایران، خواب و خیالی بیش نیست و «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

در این میان، موحدان مسلمانی در ایران، از دل جامعه خرافه زده شیعه‌ی امامیه برخاستند و کمر به بیداری جامعه غفلت زده خود بر بستند؛ سراپا شور و شهادت شدند و قلم فرسودند و سخن دردادند و زنگار شرک را به صیقل توحید و سنت زدودند و بی پروا فریاد برآوردند که: برخیز تا یکسو نهیم این دلق ازرق فام را بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را هر ساعت از ما قبله‌ای با بت پرستی می‌رود توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را

حیدر علی قلمداران قمی - که از زمره این بزرگواران بود- در کتاب ارزشمند شاهراه اتحاد، علت این تفرقه را در جهل مسلمین نسبت به کتاب خدا و سیره پیامبرش می‌دانست و کوشید تا با ریشه‌یابی دیگر علل جدایی فرقه‌های اسلامی، گامی حقیقی و موثر در جهت تقریب مذاهب بردارد. تلاش و جدیت دیگر علما و دلسوزان اسلام، همچون آیت الله سید ابوالفضل برقی قمی، سید مصطفی حسینی طباطبایی، آیت الله شریعت سنگلجی، یوسف شعار و بسیاری دیگر از این مجاهدان راه حق، بدون شک، الگویی است برای حق‌پژوهان و جویندگان گوهر دین، تا با تأسی از شیوه دین‌پژوهی و عیار سنجی مدعیات دینی و در سایه آموزه‌های ناب قرآن و سنت، در جهت پژوهش‌های یکتاپرستانه گام‌های موثری بردارند و گم‌گشتگان را مدد رسانند تا ره به ساحل سلامت برند و از گرداب شرک و توهم‌رهای یابند.

تلاش‌های خستگی‌ناپذیر این رادمردانِ عرصه یکتاپرستی، رسالتی را بر دوش دیگرانی می‌گذارد که شاهدِ گرفتاری‌های دینی جامعه و جدایی مسلمانان از تعالیم حیاتبخش اسلام، به ویژه در ایران هستند.

لازم به ذکر هست که اصلاح‌گرانی که امروز کتابهایشان را منتشر می‌کنیم در خلال تغییر مذهب شیعه امامی که در گذشته پیرو آن بوده‌اند، مرحله‌های متعددی را پشت سر گذاشته‌اند و باطل بودن عقاید شیعه امامی را مانند امامت از دیدگاه شیعه، عصمت، رجعت و غیبت و اختلافاتی که میان صحابه رخ داده و غیره، را به صورتی تدریجی و در چند مرحله کشف کرده‌اند؛ به همین دلیل عجیب نیست که در تعدادی از کتابهایی که در ابتدای امر تألیف کرده‌اند برخی از اثرات و بازمانده‌های عقاید گذشته به چشم بخورد ولی کتابهای بعدی آنها از این عقاید غلو آمیز رها شده، بلکه کاملاً از آن پاک شده است، به هدف نزدیک شده و بلکه عقیده پاک اسلامی، توحیدی و بی‌آلایش را در آغوش کشیده‌اند.

اهداف

آنچه امروز در اختیار دارید، تلاشی است در جهت نشر معارف دین و ادای احترام به مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر مردانِ خدا. هدف از انتشار این مجموعه، این است که:

۱- امکان تنظیم و نشر آثار موحدین، به صورت اینترنتی، الکترونیکی، لوح فشرده و چاپی مهیا شود، تا زمینه آشنایی جامعه با اندیشه و آراء توحیدی آنان فراهم و ارزش‌های راستین دین، به نسل‌های بعد منتقل گردد.

۲- با معرفی آثار و اندیشه‌های این دانشمندان موحد، چراغی فرا راه پژوهش‌های توحیدی و حقیقت‌جویانه قرار گیرد و الگویی شایسته به جامعه اندیشمندان ایران معرفی شود.

۳- جامعه مقلد، روحانی‌گرا، مرجع‌محور و مداح‌دوست ایران را به تفکر در اندیشه‌های خود وادارد و ضمن جایگزین کردن فرهنگ تحقیق به جای تقلید، به آنان نشان دهد که چگونه از دل شیعه غالی خرافی، مردانی برخاستند که با تکیه بر کلام خدا و سنت رسول، ره به روشنایی توحید بردند.

۴- با نشر آثار و افکار این موحّدینِ پاک‌نهاد، ثمرهٔ پژوهش‌های بی‌شائبهٔ آنان را از تیغِ سانسور و مُحاقِ جهل و تعصبِ زمامدارانِ دین و فرهنگِ ایران به در آورد و با ترجمه این کتاب‌ها به دیگر زبان‌ها، زمینهٔ آشنایی امت بزرگِ اسلام در دیگر کشورها را با آرا و اندیشه‌های یکتاپرستانِ مسلمان در ایران فراهم کند.

چشم انداز

تردیدی نیست که دستیابی به جامعه‌ای عاری از خرافه و بدعت و رسیدن به مدینهٔ فاضله‌ای که آرامش در جوار رضایت حضرت حق را به همراه دارد، مقدور نخواهد بود، مگر با پیروی از آموزه‌های اصیل و ناب قرآن و سنت پاکِ پیامبر مهر و رحمت صلی الله علیه و آله. هدف غایی دست اندر کارانِ مجموعهٔ موحّدین، آن است که با معرفی آثار این بزرگانِ جهادِ علمی، الگوی مناسبی برای دین‌پژوهان و جویندگانِ راه حق فراهم آورند، تا شناخت و بهره‌گیری از فضایل دینی و علمی این عزیزان، بستر مناسبی باشد برای رشد و تقویتِ جامعهٔ توحیدی و قرآنی در ایران و نیل به رضایت خالق و سعادتِ مخلوق.

باشد که خداوند، این مختصر را وسیله علؤ درجات آن عزیزان قرار دهد و بر گناهان ما، قلم عفو کشد.

a

مقدمه‌ی ناشر

سپاس خداوند بزرگی را که نعمت بندگی اش را بر ما عرضه کرد و درود و سلام خداوند بر پاکترین خلق خدا و آخرین فرستاده پروردگار - محمد مصطفی - و خاندان و اصحاب پاک نهادش.

مسلمانان در طول قرن‌های گذشته، به برکت و موهبت اسلام عزیز و پیروی از کلام گهربار رسول خدا، در دانش اندوزی و علم آموزی، گوی سبقت از دیگران ربودند، چنان که در پایان خلافت عباسی، دانشمندان مسلمان، سرآمد دوران خود شدند و نیمه‌ی دوم سده‌ی دوم هجری قمری، بیت‌الحکمه، که در دوره‌ی خلافت هارون‌الرشید عباسی در بغداد تأسیس شده بود، به بزرگترین نهاد آموزشی و پژوهشی جهان تبدیل شد و به دلیل فعالیت‌های فرهنگی و علمی اش در عرصه‌های مختلف تألیف، ترجمه، استنساخ و پژوهش در دانش‌های گوناگون پزشکی، انسانی و مهندسی، هنوز به عنوان نماد تمدن اسلامی شناخته می‌شود.

بدون شک، چنین توانمندی و شکوهی همچون خاری در چشم، دشمنان اسلام را می‌آزرد؛ پس بر آن شدند تا با ایجاد زمینه‌های اختلاف و تفرقه افکنی در میان مسلمین، این شکوه و عظمت را، که ناشی از اتحاد و یکدلی و برادری میان آنان بود، از بین ببرند و تفرقه را طوفانی بلا خیز کنند، تا چشم‌ها را بر زیبایی حق ببندد و خورشیدِ دین را در پسِ ابرهای بدعت و خرافه پنهان کنند و چنان که شیخ سعدی می‌گوید:

حقیقت، سرایی است آراسته هوا و هوس، گردد برخاسته
 نبینی که هر جا که برخاست گرد نبیند نظر، گرچه بیناست مرد
 تلاش‌های برنامه ریزی شده و بلند مدتِ مغرضانِ اسلام برای بستن چشم مسلمانان به
 حقیقتِ دین، سستی و کاهلی مسلمین در فراگیری و نشر معارف دین و دوری جستن آنان از
 سنت ناب و هدایتگر رسول خدا، منجر به بروز چنان شکاف و اختلاف عمیقی در امت اسلام
 شد که تبعات شوم آن، امروز نیز دامنگیر آنان است.

به موازات تلاش‌های خصمانه دشمنانِ پیامبر خدا ﷺ برای به انحراف کشیدن آموزه‌های
 اسلام و وارد کردن بدعت‌های گوناگون در دین، مؤمنینی پاک‌نهاد و دلسوز، این خطر را
 دریافتند و در جهادی مستمر برای احیای اسلام و سنت نبوی، به پا خاستند و با شجاعتی کم‌نظیر،
 قلم در دست گرفتند و در دلِ شیعیان خرافه‌پرست، به اشاعه فرهنگ و اعتقادات اصیل اسلام
 پرداختند؛ فریاد توحید سر دادند و خواب دین فروشان و بدعتگذاران را آشفته نمودند. این
 موحدینِ حقیقت‌جو، به تأسی از پیامبر شریف اسلام، حقیقت را فدای مصلحت نکردند و در این
 راه، جان را تحفهٔ بارگاه حق تعالی نمودند، و به راستی: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
 هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [یونس: ۶۲].

آنچه در این مجموعه آمده است، جرعه‌ای است از دریای معرفت الهی و گزیده‌ای است از
 آثار موحدین خداجویی که در آغاز از طایفه شیعیان بودند. نور خدا در دلشان تابیدن گرفت و
 توحید را سرلوحه حیات با برکتشان قرار دادند. این افراد، که همگی از علما و نویسندگان و
 محققین طراز اول جهان تشیع در ایران بوده و هستند، در سیر تحول فکری (و بالطبع، در
 آثارشان) حرکتی گام به گام داشتند؛ به این معنا که نگرششان به مسایل مختلف اعتقادی، به
 یکباره متحول نشده است؛ بلکه با گذشت زمان، مطالعات گسترده و تعامل با دیگر
 همفکرانشان، به مسیری نو گام نهاده‌اند. لذا، ممکن است برخی از اظهار نظرهای نتیجه‌گیری‌ها
 در آثار این افراد، که در این مجموعه آمده است، کاملاً منطبق با رویکردهای دینی و اعتقادی
 اهل سنت و جماعت نباشد؛ با این وجود، به دلیل اهمیت این آثار در هدایت شیعیان ایران و
 دیگر اقوام پارسی زبان، به انتشار آن اقدام نمودیم. همچنین، دیدگاهها و مواضع فکری مطرح

شده در این کتاب‌ها، الزاما دیدگاه‌های ناشر و دست اندرکاران انتشار این مجموعه نیست، اما بی‌تردید، نفع‌ای است از نفحات حق و نوری است از جانب پرودگار برای هدایت آنانی که به دور از تعصبات و گمانه زنی‌های تاریخی، فرقه‌ای و مذهبی، جویای حقیقت هستند.

نکته قابل تأمل این است که برای آگاهی از دیدگاه‌های این افراد نمی‌توان تنها به مطالعه یک جلد از آثارشان بسنده کرد؛ بلکه نیاز است که زندگی آنان به طور کامل مطالعه گردد، تا چگونگی انقلاب فکری شان و انگیزه‌ها و عوامل آن کاملا شناخته شود. برای مثال، آیت الله سید ابوالفضل برقی قمی، کتابی دارد با عنوان *درسی از ولایت* که آن را در اوایل دوران تطور فکری‌اش به رشته تحریر درآورده است. او در این کتاب به بحث درباره ائمه و ادعای شیعه درباره ولایت و امامتِ بلافضلِ ایشان پس از پیامبر خدا پرداخته است. او عدد ائمه را دوازده نفر دانسته و بر وجود و حیات محمد بن حسن عسگری، به عنوان دوازدهمین امام، صحه گذاشته و آن را پذیرفته است. اما چند سال بعد، کتابی با نام *تحقیق علمی در احادیث مهدی* می‌نویسد و نتایج پژوهش‌هایش را در اختیار خواننده قرار می‌دهد، که حاکی از جعلی و دروغ بودن تمام احادیث، اخبار و گزاره‌های تاریخی مرتبط با ولادت و وجود امام زمان است. از این مثال و موارد مشابه دیگر، چنین برمی‌آید که اطلاع از حوادث و رویدادهای زندگی موحدین و مطالعه مجموعه آثار آنان، با در نظر گرفتن تقدم و تأخر نگارش آنها، بهترین راه برای آگاهی از سیر تحول اندیشه و آثار ایشان است.

امید است آثار این بزرگواران و تلاش‌های متولیان نشر آنها، زمینه‌ای باشد برای بازگشت به مسیر امن الهی و عبادت خالصانه خالق. باشد که خداوند بزرگ، این مختصر را موجب بخشش گناهان و لغزش‌های ما قرار دهد و روح آن عزیزان را در جوار مهر و بخشش خود گیرد.

تذکر

- ۱- دیر زمانی است که مسلمانان در بحث و مباحثه با ملل دیگر از کتب آن‌ها دلیل می‌آورند. مثلاً با اینکه **انجیل** موجود مورد قبول ما نیست با این وجود در مباحثه با علمای نصاری، در مورد رسالت حضرت محمد ﷺ، به آن کتاب، استناد می‌کنیم. دلایلی که علامه برقعی از کتاب نهج البلاغه و غیر آن، برای رد عقاید شیعه نقل می‌کند، معنایش این نیست که آن کتب مورد قبول ماست. کتب شیعه بدلیل آنکه بطریقه غیر علمی نوشته شده‌اند به اجماع علمای مسلمین فاقد ارزش و اعتبار هستند.
- ۲- در این کتاب هر جا نام امیر المؤمنین ذکر شده مقصود حضرت علی علیه السلام می‌باشند.
- ۳- تیتراهای فرعی از طرف مُصحح بر کتاب افزوده شده، و داخل کروشه [] قرار گرفته است.
- ۴- آیات کریمه‌ای که ترجمه نشده بود با ویرایش اندک از تفسیر «تابشی از قرآن» نوشته مولف اخذ گردید.

مُصحح

[مقدمه‌ی نویسنده]

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اٰذِنَ لِعِبَادِهِ الدُّعَاءَ، وَجَعَلَ مِنَ الْوَسَائِلِ اِلَيْهِ الْاِيْمَانَ وَالتَّوْبَةَ وَالْبَكَاءَ، وَالصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ الْاَنْبِيَاءِ، وَعَلَى آلِهِ وَاتَّبَاعِهِ الْاَتْقِيَاءِ.

سپاس و ستایش ذات مقدس پروردگار عظیم‌الشّانی را سزا است که با کمال بزرگی و بی‌نیازی و عزت، درهای لطف و مرحمت و مهربانی و عطوفت خود را بر بندگان خود گشوده و کوچک و بزرگ و صالح و طالح و مطیع و عاص و مؤمن و کافر را اذن عام و رخصت داده که هر ساعت و دقیقه از شب و روز و گاه و بیگاه و خلوت و جلوت او را بخوانند، با خود او بدون واسطه مکالمه و خطاب نمایند.

در کتاب خود سوره المؤمن، آیه ۶۰ فرموده: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ «و پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم». و در همین آیه، دعا و خواندن خود را عبادت شمرده و فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [المؤمن: ۶۰]. یعنی: «هر کسی که از عبادت من [که دعا باشد]، تکبر ورزد بزودی داخل دوزخ گردد با کمال خواری». و دستور داده با حضرتش مناجات و عرض و حاجت کنند و حوائج خود را با او در میان بگذارند، نه امیر گذاشته و نه حاجبی و دربانی، و نه وزیری گماشته و نه وکیل و معرفی.

هر که خواهد گویا و هر چه خواهد گو بخواه

کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست.

هر کس در هر جا که خواهد می‌تواند با جناب او سخن گوید، او به هر دل و هر زبانی

آگاه است. نه مترجم می‌خواهد و نه واسطه و رشوه‌ای.

و نفرموده مقربین مرا بخوانید و یا کسی را واسطه و همراه بیاورید، بلکه فرموده، ایمان و تقوی و زاری خود را وسیله دانید و این‌ها را بجوئید نه آنکه این‌ها را بخوانید، چنانکه در سوره مائده آیه‌ی ۳۵ فرموده:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾.

یعنی: «ای مؤمنین، از خدا بترسید و بسوی او وسیله‌ای بجوئید».

و نفرموده: «ادعوا الوسيلة» وسیله را بخوانید.

شبانہ‌روزی پنج مرتبہ از روی جود و کرم بندگانش را بہ درگاہ خود خواندہ، تا بہ او تقرب جویند و با او تجدید عہد بندگی کنند، عجب خدای کارساز بندہ‌نواز دانای راز بی‌نیازی است. «فَشُكِّرَ لَهُ ثُمَّ شُكِّرَ لَهُ».

کسی کہ می‌خواہد خدا را بخواند سزاوار است
این چند فصل را مطالعہ نماید:

فصل اول

[دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد]

یکی از حقوق خدا بر بنده این است که او را به همان نحوی که خود او دستور داده بخواند، و چنانکه او خواسته او را بندگی کند و از برنامه و قانون او تخلف نکند و به همان اسماء و صفاتی که خدا خود را معرفی کرده او را صدا زند، نه اینکه به سلیقه‌ی ناقص خود اکتفا کند و به نامها و اسمائی که لایق ذات او نیست او را بخواند؛ و به بهانه‌ی ارادت به انبیاء و اولیاء بر خلاف قانون الهی عمل نکند.

[در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است]

متأسفانه در زمان ما جهالت و غرور و بدعت‌ها چنان شایع شده که به نام ارادت به مقربان و به بهانه‌ی رجوع به اخبار و احادیث مجعوله و کتب غیر معقوله بر خلاف دستور قرآن عمل می‌شود. بلکه رسول الله ﷺ و ائمه هدی سعی و کوشش داشتند که کسی بر خلاف کتاب خدا چیزی نگوید و بر خلاف قول خدا خبری نسبت به ایشان ندهد، ولی چنانکه در زمان حیاتشان اذیت و آزار شدند پس از وفاتشان نیز هر کسی به نام ایشان هر چه خواست به هم بافت و میان مردم منتشر ساخت، نه حسابی در کار و نه میزانی، چه بسیار دعا‌های کفرآمیز و شرک‌انگیز و مخالف توحید مورد توجه ملت شده، نه دانشمندی توجهی دارد، و نه کسی خیر خواهی می‌کند و نه خردمندی خیرخواه برای بیداری مردم سخن می‌گوید. عده‌ای از ترس دکانداران، ساکت و خاموشند، عده‌ای برای حفظ دکان و

جمع آوری مریدان، با عوام هم آواز و دمسازند، و اکثر مردم آنقدر گرفتارند که فرصت تأمل و تفکر ندارند.

ما چون خود را مکلف و موظف و مسؤول دانستیم و از کسی هم جز خدا توقع پاداشی نداریم، در مقام برآمدیم که حق را آشکار بگوییم و خیر امت را بنگاریم؛ چه کسی بپذیرد و چه نپذیرد. و امیدواریم و انتظار داریم که مردم هشیار بیدار با ما همکاری کنند و از دکاندارانِ شیاد عوام فریب نهراسند، و چنانکه خدا در سوره‌ی زمر آیه‌ی ۱۷ فرموده، نوشته ما را بخوانند و اگر دیدند حق گفته‌ایم ما را یاری کنند^(۱).

۱- اشاره به آیه‌ی ۱۷ و ۱۸ سوره زمر است، که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ ۝۷ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ ۝۱۸﴾. «پس به بندگانم مژده ده. آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند». [مُصحح]

فصل دوم

[قرآن بهترین دعاها را دارد]

بهترین دعاها، دعاهای قرآن است که حق تعالی از قول انبیاء و دیگران نقل کرده و یا خود دستور داده، زیرا قرآن سند محکم و متواتر است و از دست جعلین و کذابین محفوظ مانده و خود خدا حفظ آن را تضمین کرده؛ و در سوره‌ی حجر آیه‌ی ۹ فرموده:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

«همانا ما قرآن را نازل کردیم و یقیناً ما نگهدارنده آن [از هر گونه تحریف و تبدیل] هستیم».

[اکثر کتاب‌های دعا باطلند]

ولی دعاهای دیگری که در کتب دعا ذکر کرده‌اند، نویسندگانِ آن‌ها معصوم از خطا نبوده‌اند، یا بواسطهٔ تسامح در ادله‌ی سُنن هر دعا و زیارتی را جمع کرده‌اند و توجه نکرده‌اند که اکثر یا سندی ندارد و فلان مقدّس یا فلان عالم به سلیقهٔ خود آن را به هم بافته، و یا اگر سندی دارد راویان آن یا مجهول الحال و یا اهل غلو و یا دارای عقائد باطله بوده‌اند و عقائد خود را در دعاها و زیارات گنجانیده و منتشر ساخته‌اند؛ و مردم بی‌خبر با اعتماد به اینکه فلان مقدّس و یا فلان عالم نوشته، می‌خوانند، و این روش باعثِ نشر عقاید فاسده گردیده و در اثر انتشار آن‌ها بسیاری از بدعت‌ها مورد رغبت شده که دفع آن‌ها بسیار مشکل گردیده، و دانشمندان بعدی با سکوت خود گویا تمام آن خرافات و بدعت‌ها را امضاء کرده‌اند.

باید دانشمندان بیدار برای حفظ حقایق قرآنی و دفع این باطل‌ها فکری کنند و یا برای ردّ این اوهام قیامی کنند. بسیاری از علمای اختیار دعاها را که زاهدی و یا عالمی نوشته و یا در کتابی درج کرده، به واسطه حسن ظنی که به او داشته‌اند، خیال کرده‌اند سندی از شرع دارد، در حالی که ممکن است که آن زاهد و یا آن عالم طبق دستور مطلقات دعا، خواسته به فکر خود دعایی زیبا بسازد و مسجّع و مقفّا کند، و اظهار ارادت در پیشگاه خدا و یا بزرگان دین کرده باشد. محدّثین بعدی از حسن ظنی که به او داشته‌اند، آن را مُسنَد به شرع دانسته‌اند.

[عباس قمی از جهل مردم می‌نالد ولی خودش...]

چه بسیار دعاها را که مثلاً حاج شیخ عباس قمی از کفعمی و یا ابن طاووس یا ابوقرّه و یا از شیخ طوسی و یا ابن عیّاش جوهری نقل کرده، گویا اینان را معصوم دانسته و یا به آن‌ها حق تشریع داده است. وی در مفاتیح در ذیل زیارت وارث بسیار مذمت کرده از کسانی که زیارت و یا دعایی جعل کرده‌اند، و یا در دعاها کلمه‌ای کم و زیاد کرده‌اند؛ در حالی که آن مجعولات و یا آن کم و زیاده‌ها موجب کفر و شرک نبوده ولی خود او در مفاتیح دعاها و زیاراتی آورده که کفر محض و شرک خالص می‌باشد، مانند آنکه در زیارت ششم امیرالمؤمنین (ع) ذکر شده: «السَّلَامُ عَلَى الْأَصْلِ الْقَدِيمِ وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ، السَّلَامُ عَلَى النَّمْرِ الْجَنِيِّ»^(۱)، که همان تثلیث نصاری را درباره امام آورده، و مثلاً از حسن مثله جمکرانی که مرد مجهول و مهملی است، دعایی آورده که می‌گوید:

«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ، يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِي وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِي وَاحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَانِي»^(۲)، که مخالف قرآن و موجب شرک است. زیرا قرآن می‌گوید:

۱- یعنی: «سلام بر اصل قدیمی و شاخه کریم، سلام بر میوه چیده». [ترجمه از مُصحح]

۲- یعنی: «ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد، مرا کفایت کنید، که تنها شما کفایت‌کنندگان منید، یاری‌ام دهید که تنها شما یاری‌کنندگان منید، و مرا نگهدارید که تنها شما نگهداران منید».

[ترجمه از مُصحح]

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ [الزمر: ۳۶].

«آیا خداوند برای بنده خود کافی نیست؟»

ولی حسن مثله جمکرانی می گوید: محمد و علی کافی اند. خدا به رسول خود می گوید:

﴿وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾ [الأنعام: ۱۰۷].

«ما تو را حافظ آنان نگردانیدیم، و تو بر ایشان کارساز و وکیل نیستی».

ولی این دعا می گوید، محمد و علی هر دو حافظ می باشند.

قمی از مجعولات عوام می نالد ولی از مجعولات و شرکیات دانشمندان نمی نالد.

چقدر اذن دخول ها برای رفتن به اعتاب اما و امامزاده ها تراشیده اند، و امام و امامزاده ها

را مانند خدا حاضر و ناظر و جوابگو قرار داده اند، و تعجب این است که برای دخول اذن

می خواهد ولی اذن صادر نشده داخل می شود. [و ما در کتابی بنام: "خرافات وفور در

زیارات قبور" در این باره توضیحاتی داده ایم، مراجعه شود].

فصل سوم

اگر کسی دعایی از خود جعل کند و یا از دیگری نقل کند که مطابق قرآن و عقل باشد، اشکالی ندارد. اما به قصد ورود از شرع نخواند و به دین نبندد و تذکر دهد که این دعا مستند به شرع نیست، مثلاً کسی پس از نماز صبح چهل مرتبه خدا را می خواند و یا عزیز یا عزیز می گوید این کار طبق دستور ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ عیبی ندارد، ولی این ذکر با این عدد معین چون از شرع نرسیده به شرع اسلام نبندد و باید هر دعا و زیارتی می خواند مواظبت کند که با قرآن الهی موافق باشد. زیرا اخبار متواتره در کتاب وسایل (کتاب قضا) و سایر کتب حدیث وارد شده که رسول خدا ﷺ و ائمه هدی (ع) فرموده اند: «مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ، وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ». یعنی: «هر چه موافق کتاب خدا است بگیرید و آنچه مخالف کتاب خدا است رها کنید». زیرا رسول خدا و ائمه هیچ کدام سخنی بر خلاف قول خدا نمی گویند. پس شخص مسلمان باید اول ورود از مطالب قرآن مطلع گردد تا بفهمد کدام دعا و حدیث موافق قرآن و کدام مخالف قرآن است. متأسفانه ملت ما به کلی از قرآن بی خبرند و لذا دعاها و زیارات ضد قرآنی را تمیز نمی دهند و خود را معذور می دانند در حالی که معذور نبوده و مسؤولند.

فصل چهارم

[ضررهای دعا‌های اختراعی]

مفاسد دعاها و زیارات مجعوله بسیار است:

۱- مخالف با عقل و قرآن، که قرآن حجت پروردگار است؛ و مخالفت با آن موجب هلاکت و نکبت و زیان دنیا و آخرت است. پس نفعی که ندارد هیچ بلکه سر تا پا ضرر است.

حال اگر کسی بخواهد ایشان را نهی کند به عذر اینکه ما نمی‌فهمیم و یا فلان عالم چنین نوشته سر پیچی می‌کنند، بلکه علاقه‌ای که به دعا‌های مجعوله دارند به کتاب خدا ندارند.

۲- بسیاری از اهل بدعت و مذاهب باطله همین دعاها و زیارات را مدرک و سند خود قرار داده و دکان‌های خود را رواج داده‌اند.

۳- در دعا نباید به غیر خدا توجه کرد زیرا دعا عبادت است و خواندن خدا بعنوان مدعوّ غیبی مانند خواندن معمولی متعارف دنیوی نیست، زیرا در خواندن معمولی متعارفی هر یکی از مخلوق را می‌توان خواند، کسی که پایش درد گرفته می‌تواند بگوید: ای زید، دست مرا بگیر! کسی که محتاج به دوا می‌باشد، می‌تواند بگوید: ای دکتر، دوا به من بده، کسی که حاجتی به دیگری دارد می‌تواند بگوید فلانی حاجت مرا انجام بده، کسی که که نان می‌خواهد می‌گوید: ای شاطر، نان بده. در خواندن متعارفی معمولی فقط باید طرف حاضر باشد و صدای او را بشنود.

[برهان از قرآن]

اما دعای شرعی عبارت است از عبادت، و آن خواندن مدعوّ غیبی، که فقط خدا باشد، و در این عبادت مانند سایر عبادات نباید به احدی توجه کرد و غیر خدا را شریک نمود. چنانکه خدا در سوره‌ی کهف آیه‌ی ۱۱۰ فرموده:

﴿وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾.

«و به عبادت پروردگارش احدی را شریک ننماید».

عبادت مخصوص ذات پروردگار است، و لذا آیات بسیار در قرآن آمده که غیر خدا را مخوانید و خواندن غیر خدا را شرک دانسته، از آن جمله در سوره‌ی جن آیه‌ی ۲۰ فرموده:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا﴾.

یعنی: «بگو: من فقط پروردگارم را می‌خوانم و احدی را شریک او نمی‌کنم. [و شرک به او نمی‌آورم]». و در آیه ۱۸ فرموده:

﴿فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾.

یعنی: «احدی را با خدا مخوان».

و در آیه‌ی ۱۳ و ۱۴ سوره فاطر فرموده:

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ۚ إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرِكِكُمْ...﴾.

یعنی: «آن کسانی را که غیر خدا می‌خوانید مالک پوست هسته خرمایی نیستند، اگر بخوانیدشان نمی‌شنوند و اگر بشنوند اجابت نکنند و روز قیامت به شرک شما اعتراض و انکار کنند».

در این آیه صریحا کسانی که غیر خدا را می‌خوانند مشرک خوانده و نمی‌توان کلمه ﴿الَّذِينَ﴾ و ضمیرهای جمع مذکر که مخصوص عَقْلًا است و بر عقلا اطلاق می‌شود، حمل بر بت‌ها کنیم. زیرا در لغت عرب کلمه «الَّذِينَ» و ضمیر جمع مذکر بر بت اطلاق نشود؛ به اضافه روز قیامت بتی نیست که اعراض و انکار کند که چرا مشرک شدید.

پس این آیه می‌گوید، بزرگان و عقلا را نخوانید، و در سوره احقاف آیه ۵ و ۶ فرموده:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾﴾.

یعنی: «و کسیت گمراه تر از آنکه غیر خدا را می خواند، آن کسی را می خواند که اجابت او نمی کند تا قیامت؛ و آنان از دعای ایشان آگاه نیستند. و چون مردم در قیامت محصور شوند، آنان برای ایشان دشمنند و به عبادت ایشان کافر و منکر بوده اند».

و در سوره نحل آیه ی ۲۰ و ۲۱ فرموده:

﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾﴾.

یعنی: «و آنانی را که غیر از خدا می خوانند چیزی را خلق نمی کنند و خود ایشان مخلوقند. مردگانی غیرزنده، و درک نمی کنند که کی [برای قیامت] برانگیخته می شوند».

یعنی: آنکه چیزی خلق نکرده، و خود مخلوق است و به اضافه از ساعت قیامت و حشر خبر ندارد، نباید خواند. و به اتفاق آیات قرآن، پیغمبر اسلام خبر از حشر نداشته و ساعت قیامت را نمی دانسته، پس نباید او را خواند، چه برسد به بندگان دیگر.

در سوره ی اسراء آیه ی ۵۶ و ۵۷ فرموده:

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ﴿٥٧﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٨﴾﴾.

یعنی: «بگو: غیر از خدا آن کسانی را که گمان می برید [از آنها کاری برایتان ساخته است] بخوانید، آنان مالک و توانایی بر طرف کردن ضرر از شما نیستند و تغییری نتوانند. آن کسانی را که ایشان [آنان را به معبودی] می خوانند، خودشان به سوی پروردگارشان وسیله ی (تقرب) می جویند، که کدام یک از آنها نزدیکتر و مقرب ترند، و امید به رحمت او دارند و از عذاب او می ترسند، بی گمان عذاب پروردگار حذر کردنی است». و مانند این آیات که در سوره اعراف آیه ۱۹۴ می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ﴾.

«محققاً آنان را که از غیر خدا می خوانید بندگانمانند شمایند».

ما نمی‌دانیم کسانی که امام و یا رسول و یا امامزاده را می‌خوانند، جواب این آیات را چه می‌دهند؟ آیا این آیات از قرآن نیست؟ آیا بزرگان دین گفته‌اند ما را بخوانید و بر خلاف قرآن رفتار کنید؟ آیا با دعاهای مجعوله می‌توان قرآن را رد کرد؟ و آیا پیغمبر و امام بشرنند، و با گوش می‌شنوند و یا خیر، نه چشم دارند و نه گوش و بدون چشم و گوش می‌شنوند؟ اگر چنین باشد پس خلقت چشم و گوش در بدن ایشان لغو بوده است. و آیا خودشان گفته‌اند که پس از دفن شدن چشم و گوش، باز هم می‌شنویم و می‌بینیم؟

[توضیح در باره استمداد برادران یوسف علیه السلام از پدرشان]

آیا این کسانی که در دعاهای شرکيه غير خدا را می‌خوانند برای این کار خود دلیلی دارند؟ اینان برای خود بهانه‌ای تراشیده‌اند بنام دلیل که عوام را گول بزنند، و گاهی می‌گویند چگونه فرزندان یعقوب حضرت یعقوب را خواندند و گفتند: ﴿يَا أَبَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾ (۹۷) قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي. [یوسف: ۹۷-۹۸] یعنی: «ای پدر، برای گناه ما آمرزش بخواه، زیرا ما خطاکار بودیم. [یعقوب] گفت: به زودی از پروردگارم برای شما طلب آمرزش می‌کنم».

در جواب ایشان باید گفت:

اولاً- حضرت یعقوب زنده بود، نه مرده و چون او را آزرده بودند، و یوسف او را برده بودند، و چهل سال او را اذیت کرده بودند، وظیفه‌شان این بود که بروند از او معذرت بجویند، و او را وادار کنند، که از خدا برایشان طلب مغفرت کند. و این وظیفه هر مسلمانی است که اگر کسی را اذیت کرده، برود به او التماس کند تا او از خدا برایش آمرزش بخواهد. و این مربوط به این مسأله نیست، زیرا خواندن یعقوب زنده‌ی حاضر، خواندن و درخواست متعارفی است که ما گفتیم این خواندن مدعو غیبی نیست. آیا اگر حضرت یعقوب از دنیا رفته بود، می‌توانستند به او بگویند: ﴿يَا أَبَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا...﴾ و اگر می‌گفتند آیا یعقوب می‌شنید و جواب می‌داد؟ البته خیر.

پس قیاس حاضر به غایب و آنکه را وفات نکرده به کسی که وفات کرده، صحیح نیست. بحث ما این است که امام و یا رسولی که حاضر نیست، و از دنیا بی خبر است و در بهشت برزخی ساکن است و آنجا از هم و غم دنیا بی خبر است، آیا می توان خواند؟ و آیا او جواب می دهد؟

ثانیا - حضرت یعقوب به فرزندان می گوید:

﴿وَمَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ﴾ [یوسف: ۶۷].

یعنی: «ای فرزندان من، هیچگونه کاری از طرف خدا برای شما نمی توانم». چگونه آن کلام یعقوب را قبول دارید ولی این کلام را که آب پاکی بدستشان داده و فرموده من کاری نتوانم قبول ندارید، و یا بی خبرید؟^(۱)

[آیا امام همه زبان ها را می داند و همه وقت در همه جا حاضر است؟]

آیا از رسول خدا ﷺ و یا امام خبری رسیده که ما را بخوانید؟ در صورتی که قطعاً چنین خبری وجود ندارد.

آیا اگر مردم پیغمبر و یا امام را بخوانند ایشان به همه گوش می دهند؟ و آیا همه جا حاضرند و آیا صوت آن یکی مانع از صوت دیگر نیست؟ آیا اینان صفات خدا را دارند و با خدا شریکند که «لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ وَلَا صَوْتُ عَنْ صَوْتٍ»^(۲)!

آیا آن رسول و امام مجبورند که هر کس صدایشان کرد بشنوند و فوری اطاعت کنند، و برای همه کس واسطه شوند؟ هزاران دعای مجعول را به امام زمان بسته اند در صورتی که می گویند، آن امام گفته:

۱- برای رد تفصیلی این شبهه، به کتاب مولف، تضاد مفاتیح الجنان با قرآن، رجوع کنید. [مُصحح]

۲- یعنی: «کسی که مشغول نمی گرداند او را کاری از کاری دیگر، و نه صوتی مانع شنیدن صوت دیگر می شود». [ترجمه توسط مُصحح]

«مَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ فَهُوَ مُفْتَرٍ كَذَّابٌ».

یعنی: «هر کس در زمان غیبت کبری ادعای مشاهده مرا نماید، افترا زده و کذاب است». و غالب دعاهاى امام زمان را از قول او در زمان غیبت کبرى نقل کرده‌اند.

[توضیح درباره‌ی آیه‌ی ﴿وَأَسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ﴾]

و گاهی می‌گویند؛ چون خدا راجع به منافقین در سوره‌ی نساء آیه ۶۴ فرموده: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾.

یعنی: «و اگر این منافقین در وقتی که به خود ستم کردند [و به حکم و قضاوت تو راضی نبودند و پشت سر تو بدگویی کردند] نزد تو آمده بودند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و رسول برای ایشان از خدا آمرزش خواسته بود، هر آینه خدا را توبه‌پذیر و رحیم یافته بودند».

سپس نتیجه می‌گیرند هر مسلمانی باید برود نزد رسول خدا ﷺ در هر کاری که به خدا دارد در هر زمانی.

جواب این است که:

اولاً- طرف سخن در آیه با منافقین است که رسول خدا ﷺ را اذیت کرده بودند، و وظیفه ایشان بوده که و عذرخواهی کنند. و این مربوط به سایر مسلمین نیست.

ثانیاً: خدا نفرموده بروید نزد رسول بلکه فرموده اگر منافقین می‌آمدند. پس به آنان که وظیفه داشتند نزد رسول خدا ﷺ بروند نفرموده بروید، چه برسد به دیگران.

ثالثاً: در آن وقت ممکن بود نزد رسول خدا ﷺ بروند؛ چون زنده و میان مردم بود، اما زمان بعد ممکن نیست کسی نزد رسول خدا ﷺ برود، زیرا از دنیا رفته و در عالم باقی است، و از عالم فانی و غصه‌ها و رنج‌های آن بی‌خبر است.

پس قیاس مع الفارق است، و امیر المؤمنین در نهج البلاغه می‌گوید، خدا رسول خود را از میان مردم برد. در کلمه ۸۸ کلمات قصار: «كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَقَدْ رُفِعَ

أَحَدُهُمَا قَدْ وَنَعْتُ الْآخَرَ، فَتَمَسَّكُوا بِهِ، أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي، فَلَا اسْتِغْفَارُ...»^(۱).

[آیا خدا وزیر دارد؟]

و گاهی می‌گویند؛ اگر کسی بخواهد سلطانی را ملاقات کند، باید نزد وزیر و یا مأمور دیگری برود، ما هم هر وقت به خدا کاری داریم باید به مقربین او مراجعه کنیم. جواب این است که:

چون سلطان همه جا حاضر نیست و از حال رعیت خبر ندارد و اگر رعیت نزد او برود ممکن است به او دروغ بگوید، و بر خلاف واقع عرضی کند، و لذا ناچار باید به مأمورین و وزراء مراجعه کند. ولی خداوند چنین نیست. خود همه جا حاضر و از حال بندگان مطلع و حاجت آن‌ها را می‌داند، و خود فرموده، من از رگ گردن به شما نزدیکترم^(۲).

به اضافه، خدا را نباید تشبیه به شاه و یا مخلوقات دیگر نمود، و در قرآن فرموده: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ [الشوری: ۱۱]. «مانند او چیزی نیست». و رسول خدا و ائمه فرموده‌اند: «مَنْ شَبَّهَ الْخَالِقَ بِالْمَخْلُوقِ فَهُوَ مُشْرِكٌ»^(۳). یعنی: «کسی که خدا را به مخلوق تشبیه کند، مشرک است».

۱- یعنی: «دو امان از عذاب خدا در زمین بود، یکی از آنها برداشته شد، پس دیگری را که باقی مانده بگیرید و به آن چنگ بزنید. اما امانی که برداشته شد رسول خدا ﷺ است. و اما امانی که باقی است استغفار است». در ادامه آن می‌فرماید: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۳] «ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند». [مُصحح]

۲- ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [ق: ۱۶] «و ما از رگ گردن به انسان نزدیکتریم».

۳- آثاری از امام صادق و امام رضا بدین معنی روایت شده است، و لفظ آن بدین صورت است: «مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ كَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ» نگا: ابن بابویه قمی، التوحید، ص ۸۰، و عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۴. [مُصحح]

شما چرا توحید خود را آلوده به شرک می‌سازید؟ خدا احتیاج به امیر و وزیر ندارد. و خود دستور داده که او را بخوانند. اگر سلطانی به رعیت خود بگوید؛ هر حاجتی داری به خود من مراجعه کن، آیا سزاوار است رعیت اعتنا نکند و بگوید؛ خیر من باید به وزیر مراجعه کنم؟!]

[وسیله قرار دادن نیکان شرک است]

و یا می‌گویند، ما مقربان درگاه خدا را می‌خوانیم تا وسیله باشند. و خدا در قرآن فرموده:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: ۳۵]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و به سوی او وسیله بجوئید».

جواب این است که:

اولاً- خدا در این آیه فرموده وسیله بجوئید، و نفرموده وسیله را در حوائج خود بخوانید. وسیله جستنی است نه خواندنی، که نه تنها در تقرب به خدا بلکه تهیه خوراک و پوشاک و مسکن و در کسب و تجارت و زراعت و غیره انسان محتاج وسائل است. انبیاء و اوصیاء در دعا و عرض حاجت به خدا وسیله نیستند. خدا دور نیست تا محتاج به وساطت ایشان باشد. و برای دعا و عرض حاجت، خود انبیاء نفرموده‌اند ما واسطه یا وسیله هستیم بلکه فرموده‌اند خواندن غیر خدا موجب هلاکت و نابودی است. چنانکه حضرت سجاد در دعای ابو حمزه عرض می‌کند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخَيَّبَ دُعَائِي»^(۱).

۱- «سپاس خدایی را که او را به فریاد می‌طلبم و کسی دیگر را به فریادرسی نمی‌خوانم و اگر کسی دیگر را به فریادرسی بخوانم، مرا نا امیدگردانده و دعایم را استجابت نمی‌کند». [مُصحح]

ثانیاً- آیه: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: ۳۵]. خطاب به رسول الله و سایر مؤمنین است. باید دید رسول الله ﷺ و علی علیه السلام به این آیه چگونه عمل کرده‌اند؟ آیا چه وسیله‌ای می‌جستند؟ رسول خدا ﷺ عرض می‌کند:

«إِلَهِي! وَسِيلَتِي إِلَيْكَ إِيْمَانِي بِكَ» یعنی: «خداایا، وسیله من ایمان من است».

و علی علیه السلام در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه می‌فرماید:

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ، الْإِيْمَانُ بِهِ وَرِسُولُهُ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ...»^(۱).

و در دعای کمیل عرض می‌کند: «وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ». یعنی: «خداایا، توسل من به ربوبیت تو است».

و در مناجات ماه شعبان عرض می‌کند:

«وَجَعَلْتُ الْإِفْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي». یعنی: «اقرار به گناه وسیله من است».

و امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه عرض می‌کند:

«إِلَهِي... بِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي». یعنی: «الهی،... با دعایم بسویت متوسل می‌شوم».

پس وسیله، ایمان و تقوی و دعا و عبادت است نه اشخاص مقربین.

به اضافه، ایمان و تقوی و عبادت را می‌توان جست و تهیه کرد. اما بندگان مقربین را نمی‌توان جست و تهیه نمود. زیرا آنان از دنیا رفته‌اند و جستن آنان مقدور نیست، و تکلیف الهی تابع قدرت است. پس بندگان مقرب مطیع ما و شما نیستند و اصلاً از احوال ما خبر ندارند تا فوری بیایند و برای ما واسطه شوند و بروند.

[در دعاهاى باطل بخدا اهانت می‌شود]

و از مفاسد دیگر دعاهاى مجعوله این است که صفات و اسمائی برای خداوند ذکر شده که لایق مقام الهی نیست. مثلاً: در دعای پنجم رجبیه در مفاتیح به خداوند می‌گوید:

۱- «همانا بهترین چیزی که متوسلان به خداوند به آن توسل جستند عبارت است از: ایمان به خدا و

رسول او، و جهاد در راه او...». [مُصحح]

«لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقُهَا وَرَتَقُهَا بِيَدِكَ».

یعنی: «خدایا، بین تو و والیان امرت فرقی نیست جز اینکه آنان بندگان و مخلوق تو اند. و پاره کردن و دوختن آنان بدست تو است». و ضمیر مؤنث برای والیان بکار برده است.

و مثلاً در دعای هشتم خمسة عشر به خدا عرض می کند:

«وَصَلِّكَ مِنِّي نَفْسِي».

یعنی: «(خدایا)، وصل شدن به تو آرزوی نفس من است».

خداوند وصل و فصل ندارد. یا مثلاً در دعای ندبه به امام می گوید:

«يَا ابْنَ دِيسٍ وَالذَّارِيَّاتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَّاتِ».

یعنی: «ای پسر دِیس و ذاریات (بادهای وزنده)، ای پسر طور و عادیات (اسبان دونده)».

یک عده از عالم نمایان این عبارات مهمل را به زور تقدیر و تأویل تصحیح می کنند، و

حال آنکه این کار صحیحی نیست. زیرا هر کفری را می توان به زور تأویل و تقدیر، حمل به ایمان نمود.

[قرآن بهترین پناهگاه]

به هر حال، اکثر دعاهاى مجعوله و زیارات موضوعه با قرآن مخالف است، و چون مکت ما را از قرآن دور و بی خبر داشته اند، متوجه این چیزها نیستند. پس بر هر مسلمانی واجب است تا اندازه ای که می تواند با قرآن آشنا شود. زیرا تدبیر در کتاب آسمانی لازم و دوری از آن، موجب هلاکت و غرق شدن در خرافات دینی است. و یکی از وسائل آشنا شدن به آیات قرآن این است که دعاهاى قرآن را انسان حفظ کند. و در موقع مناجات و دعا و عرض حاجت بخواند. امیرالمؤمنین فرموده: کسی که قرآن دارد، به چیز دیگری احتیاج ندارد و از هر کتابی بی نیاز است.

متأسفانه دیدم یک نفر جاهلی دعاهاى قرآن را جمع کرده و چاپ کرده و به دست مردم داده تا بخواند. اما غفلت کرده که دعاهاى که مناسب خواندن هر کس نیست و یا موجب تمسخر شنونده می شود، آورده. مثلاً دعاى که زن عمران خوانده: ﴿رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ

لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي﴾ [آل عمران: ۳۵] را آورده، حال اگر مردی این دعا را بخواند که خدایا، من نذر کردم که آنچه در شکم می‌باشد برای تو آزاد کنم از من بپذیر و یا دعاهایی که کفار در دوزخ می‌خوانند آورده که مردم بخوانند که مناسب نیست.

به هر حال کاری که جاهل انجام دهد بهتر از این نمی‌شود. ولی ما در این اوراق دعاهایی از قرآن آورده‌ایم که همه کس بتواند بخواند، اول دعاهایی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده و پس از آن دعاهایی که ابتدا به ﴿رَبِّ﴾ شده و پس از آن دعاها، چند آیه از آیاتی که خواندن آن برای همه کس مفید و لازم است و در هر حال چه در نماز و چه وقت کسب و کار و چه وقت خواب می‌توان آنها را قرائت کرد. هم ثواب تلاوت قرآن دارد و هم ثواب دعا و ذکر.

فصل پنجم

دعاهای قرآنی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۸ و آن دعایی است که حضرت ابراهیم و فرزندش حضرت اسماعیل خوانده‌اند و مناسب است که خواننده در حال خواندن یک نفر دیگر را نیز در نظر بگیرد.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (۱۲۸).

«پروردگارا، ما را تسلیم خودت قرار ده و ذریه ما را نیز امتی که تسلیم تو باشد قرار بده و عبادات ما را به ما یاد بده و توبه ما را بپذیر، زیرا فقط تو توبه‌پذیر و رحیمی».

و آیه ۱۲۷:

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.

«پروردگارا، از ما بپذیر زیرا فقط تو شنوای دانایی».

۲- سوره بقره، آیه ۲۰۱:

﴿رَبَّنَا عَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾.

«پروردگارا، ما را در دنیا نیکی عطا فرما و در آخرت نیکی عطا فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ حفظ فرما».

۳- سوره بقره، آیه ۲۵۰:

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

«پروردگارا، صبر و شکیبایی بر ما بریز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر قوم کفار نصرت بده».

۴- سوره بقره، آیه ۲۸۶:

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ، عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

«پروردگارا، ما را مؤاخذه مفرما، اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، حکم مشکل را بر ما و عهده ما مگذار چنانکه بر کسان پیش از ما گذاردی. پروردگارا، بر عهده ما مگذار آنچه را که به آن توانا نیستیم، و از ما بگذر و ما را بیامرز و ترحم نما. تویی مولای ما پس ما را بر قوم کفار یاری نما».

۵- سوره آل عمران، آیه ۸ و ۹:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝﴾.

«پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت نمودی دل‌های ما را به باطل متمایل مگردان، و از نزد خود ما را رحمتی بخشای زیرا فقط تو بخشاینده‌ای. پروردگارا، تو جمع خواهی کرد مردم را برای روزی که در آن شکی نیست زیرا خدا وعده را خلاف نمی‌کند».

۶- سوره آل عمران، آیه ۱۶:

﴿رَبَّنَا إِنَّنَا عَامِنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾.

«پروردگارا، حقا ما ایمان آورده‌ایم پس گناهان ما را بیامرز و از عذاب آتش دوزخ ما را حفظ کن».

۷- سوره آل عمران، آیه ۵۳:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾.

«پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم به آنچه نازل نمودی و پیروی رسول تو کردیم، پس ما را با گواهان بنویس».

۸- سورة آل عمران، آیه ۱۴۷:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

«پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌روی در کار ما را بیامرز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر کفار یاری ده».

۹- سورة آل عمران، آیه ۱۹۱ تا ۱۹۴:

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَعَآئِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾﴾.

«پروردگارا، این جهان را به باطل خلق نفرمودی تو منزهی، پس ما را از عذاب آتش حفظ فرما. پروردگارا، محققاً کسی را که داخل آتش کنی خوارش کرده‌ای و برای ستمگران یاورانی نیست. پروردگارا، ما شنیدیم که نداکننده‌ای به سوی ایمان ندا می‌کرد که به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا، برای ما گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را جبران نما و ما را با نیکان بمیران. پروردگارا، آنچه به ما وعده دادی بر پیمبرانت ما را عطا فرما و روز قیامت ما را خوار مکن به راستی که تو وعده را تخلف نمی‌کنی».

۱۰- سورة نساء، آیه ۷۵:

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾.

«پروردگارا، ما را از این قریه (و شهری که) اهل آن ستمگرند بیرون بر، و از نزد خود برای ما سرپرستی قرار بده و از نزد خود برای ما یآوری قرار ده».

۱۱- سورة مائده، آیه ۸۳:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾.

«پروردگارا، ما ایمان آوردیم؛ پس ما را از گواهان بنویس.»

۱۲- سورة اعراف، آیه ۲۳:

﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

«پروردگارا، ما بر خود ستم نمودیم و اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی، البته از زیانکاران

خواهیم بود.»

۱۳- سورة اعراف، آیه ۴۷:

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾.

«پروردگارا، ما را با ستمگران قرار مده.»

۱۴- سورة اعراف، آیه ۸۹:

﴿رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾.

«پروردگارا، بین ما و قوم ما را به حق راهی باز کن؛ زیرا تو بهترین بازکنندگانی.»

۱۵- سورة اعراف، آیه ۱۲۶:

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ﴾.

«پروردگارا، صبر و شکیبایی را بر ما بریز و ما را مسلمان بمیران.»

۱۶- سورة یونس، آیه ۸۵ و ۸۶:

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۸۵﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۸۶﴾﴾.

«پروردگارا، ما را وسیله امتحان برای قوم ستمگران قرار مده، و به رحمت خود ما را از

قوم کفار نجات بده.»

۱۷- سورة ابراهیم، آیه ۳۸:

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا

فِي السَّمَاءِ﴾.

«پروردگارا، محققاً تو می دانی آنچه را پنهان می کنیم و آنچه را آشکار می کنیم و

چیزی در آسمان و زمین بر خدا پنهان نیست».

۱۸- سورة ابراهيم آیات ۴۰ و ۴۱:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿۴۰﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿۴۱﴾﴾

«پروردگارا، مرا و اولادم را پیادارنده نماز قرار ده، پروردگارا، و پذیر دعای مرا. پروردگارا، مرا و والدین مرا و مؤمنین را بیامرز روزی که حساب بر پا می شود».

۱۹- سورة كهف، آیه ۱۰:

﴿رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾

«پروردگارا، ما را از نزد خود رحمتی عطا فرما، و امر ما را به هدایت و رشد موفق بدار».

۲۰- سورة مؤمنون، آیه ۱۰۹:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِأَنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾

«پروردگارا، ما ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و رحم نما و تو بهترین رحم کنندگانی».

۲۱- سورة فرقان، آیه ۶۵:

﴿رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾

«پروردگارا، عذاب دوزخ را از ما بگردان زیرا عذاب دوزخ دائمی است».

۲۲- سورة فرقان، آیه ۷۴:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾

«پروردگارا، از همسران و فرزندانمان که نور چشم باشند به ما عطا فرما و ما را برای متقین پیشوا قرار ده».

۲۳- سورة غافر آیات ۷ و ۸ و ۹:

﴿رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۷﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۸﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۹﴾﴾

«پروردگارا، توبه رحمت و دانش هر چیز را فرا گرفته‌ای، پس کسانی را که توبه کرده و پیروی راه تو کردند بیمارز و از عذاب دوزخ نگاهشان بدار. پروردگارا، و ایشان را به باغ‌های دائمی که به ایشان وعده داده‌ای وارد ساز و کسانی که شایسته‌اند از پدران و زنان و فرزندان‌شان را وارد بهشت ساز به درستی که تو عزیز و حکیمی و از بدی‌ها نگاهشان دار و آنکه را تو از بدی‌ها نگاهداری حقیقتاً به او رحم کرده‌ای، و این است همان کامیابی بزرگ».

۲۴- سورة الدخان آیه ۱۲:

﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿۱۲﴾﴾

«پروردگارا، عذاب را از ما برطرف کن زیرا ما ایمان آورده‌ایم».

این آیه را در موقع گرفتاری و ابتلاء بخواند.

۲۵- الحشر، آیه ۱۰:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾﴾

«پروردگارا، ما و برادران ما که پیش از ما به ایمان سبقت گرفتند بیمارز و در دل‌های ما برای اهل ایمان کینه قرار مده؛ پروردگارا، به راستی که تویی مهربان رحیم».

۲۶- سورة ممتحنه، آیات ۴ و ۵:

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَالْإِمْرُ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿۴﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۵﴾﴾

«پروردگارا، بر تو توکل کردیم و به سوی تو زاری می‌کنیم و به سوی تو برگشت ما است. پروردگارا، ما را وسیله آزمایش و امتحان کافران قرار مده و ما را بیمارز، پروردگارا، به راستی که فقط تو عزیز حکیمی».

۲۷- سورة تحریم آیه ۸:

﴿رَبَّنَا أْتِمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۸﴾﴾

«پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان و ما را بیمارز به درستی که تو بر هر چیزی توانایی».

دعاهای قرآنی که به کلمه «رَبِّ» ابتداء شده است

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۶:

﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَّارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾.

«پروردگارا، این شهر را شهر امن بگردان و اهل آن را از میوه جات روزی گردان».

۲- سوره آل عمران، آیه ۳۸:

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾.

«پروردگارا، مرا از نزد خود فرزندی بخشای که پاکیزه باشد به راستی که تو شنونده دعایی».

۳- سوره اعراف، آیه ۱۵۱:

﴿رَبِّ اَعْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا و برادر مرا بیامرز و ما را در رحمت خود داخل نما و تویی بهترین رحم کنندگان».

۴- سوره هود، آیه ۴۷:

﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

«پروردگارا، حقا که من به تو پناه می برم از آنکه از تو بخواهم آنچه را که به آن علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و رحم نکنی از زیانکاران می باشم».

۵- سوره ابراهیم، آیه ۳۵:

﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا الصَّنَامَ﴾.

«پروردگارا، این شهر را امن بگردان و من و فرزندانم را از بندگی بتان دور بدار».

۶- سوره اسراء، آیه ۸۰:

﴿رَبِّ ادْخُلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَصِيرًا﴾.

«پروردگارا، درون بر، درون بردن نیک و برون بر، برون بردن نیک و برایم از نزد

خود دلیلی نصرت آور مقرر مدار».

۷- سورة اسراء، آیه ۲۴:

﴿رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾.

«پروردگارا، والدینم را رحم فرما، چنانکه در کوچکی مرا تربیت کردند».

۸- سورة مریم، آیه ۴:

﴿رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾.

«پروردگارا، به راستی استخوانم سست شده و پیری سرم را مشتعل (سفید) نموده و من به خواندن تو بی بهره نبوده‌ام».

۹- سورة طه آیات ۲۵، ۲۶ و ۲۷:

﴿رَبِّ أشرح لي صدري ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأحلل عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ﴿٢٧﴾﴾.

«پروردگارا، سینه مرا بگشا و امر مرا آسان کن و گره از زبانم باز کن».

۱۰- سورة طه، آیه ۱۱۴:

﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾.

«پروردگارا، دانش مرا زیاد کن».

۱۱- سورة انبياء، آیه ۸۹:

﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا تنها مگذا و تویی بهترین ارث برندگان».

۱۲- سورة مؤمنون، آیه ۲۶:

﴿رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي﴾.

«پروردگارا، مرا یاری کن در مقابل آنچه مرا تکذیب کردند».

۱۳- سورة مؤمنون، آیات ۲۹، ۹۴، ۹۷، ۹۸ و ۱۱۸:

﴿رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ﴾. ﴿رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ﴾. ﴿رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ

يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾﴾. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا نازل کن به منزل با برکت و تویی بهترین نازل کنندگان» (این آیه را در سفر خواند). «پروردگارا، مرا در میان ستمگران قرار مده». «پروردگارا، به تو پناه می‌برم از وساوس شیاطین و به تو پناه می‌برم، پروردگارا، از اینکه نزد من آیند». «پروردگارا، مرا پیامرز و رحم نما و تویی بهترین رحم کنندگان».

۱۴- سورة شعراء، آیات ۸۳، ۸۴ و ۸۵:

﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾﴾.

«پروردگارا، مرا کمالی عطا کن و مرا به شایستگان ملحق فرما، و برای من ثنا و نام نیک در میان آیندگان قرار ده، و مرا از ورثه بهشت پرنعمت قرار ده».

۱۵- سورة شعراء، آیات ۱۱۷ و ۱۱۸:

﴿رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾﴾.

«پروردگارا، به راستی که قوم من مرا تکذیب کردند. پس بین من و ایشان راهی بگشا و مرا با کسانی از اهل ایمان، که با منند نجات مرحمت کن».

۱۶- سورة شعراء، آیات ۱۶۹:

﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ﴾.

«پروردگارا، مرا و بستگان مرا از آنچه مردم می‌کنند نجات بده».

۱۷- سورة نمل، آیه ۱۹:

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا موفق فرما تا نعمتی را که به من و به والدین من عنایت کرده‌ای شکر نمایم و تا عمل شایسته‌ای که می‌پسندی بجا آرم و مرا در میان بندگان شایسته‌ات وارد ساز».

۱۸- سورة قصص، آیه ۱۶:

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ﴾.

«پروردگارا، من به خود ستم نمودم مرا بیامرز».

۱۹- سورة قصص، آیه ۲۴:

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾.

«پروردگارا، همانا من به آنچه از خیر برایم بفرستی محتاجم».

۲۰- سورة قصص، آیه ۲۱:

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا از قوم ستمگران نجات ده».

۲۱- سورة عنكبوت، آیه ۳۰:

﴿رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا بر (دفع) قوم مفسدین یاری نما».

۲۲- سورة صافات، آیه ۱۰۰:

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا از شایستگان عطا فرما».

۲۳- سورة تحریم، آیه ۱۱:

﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾.

«پروردگارا، برایم نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن».

۲۴- سورة نوح، آیه ۲۶:

﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذِيَارًا﴾.

«پروردگارا، در روی زمین احدی از کفار را مگذار».

۲۵- سورة نوح، آیه ۲۸:

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ

الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾.

«پروردگارا، من و والدینم و هر کس به خانه من وارد شود در حال ایمان، و مؤمنین و

مؤمنات را بیامرز، و برای ستمگران جز هلاکت میفزای».

بعضی از آیاتی که قرائت آن بسیار مفید است

۱- سورة بقره، آیات ۲۵۵-۲۵۷: (آیه الکرسی [و آیات بعد از آن])

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾﴾

«خداى [كامل الذات والصفاتى] كه معبود [و ملجأى] جز او نيست، زنده و برپادارنده غير است، او را چرت و خواب نمى گيرد، ملك اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است، كيست كه شفاعت كند در پيشگاه او بدون اذن و اراده او؟ او مى داند آنچه در جلو ايشان و پشت ايشان است، و به چيزى از دانش او احاطه ندارند، جز آنچه او بخواهد، كرسى او فرا گرفته آسمانها و زمين را، و نگهدارى آنها او را خسته نمى كند، و اوست والا و بزرگ. در دين اكراه و اجبارى نيست، به تحقيق راه رشد از ضلالت روشن و متمايز شده. پس هر كس به طاغوت كافر و به خدا ايمان آورد، پس حقيقتاً چنگ به رشته محكمى زده كه براى آن رشته جدا شدن و گسستنى نيست، و خدا شنواى داناست. خدا ولى و سرپرست كسانى است كه ايمان آورند، ايشان را از تاريكى ها بيرون مى برد به سوى نور، و آنان كه كافر شدند سرپرستشان طاغوت است كه ايشان را از نور خارج مى كند به سوى ظلمات، ايشانند اهل آتش و ايشان در آن جاويد بمانند».

۲- سورة آل عمران، آیات ۲-۴:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٣﴾ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ﴾.

«خدای [کامل الذات والصفات] که معبودی بحق جز نیست، زنده و برپادارنده [غیر] است. این کتاب را به حق، بر تو نازل نمود که تصدیق کننده آنچه [از کتاب‌های آسمانی] است که پیش از آن بوده، و تورات و انجیل را پیش از آن، برای هدایت مردم فرو فرستاد، و [نیز] فرقان را نازل نمود».

۳- سورة آل عمران، آیات ۱۸-۱۹:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾﴾.

«خدا که قائم به عدالت است، گواهی داده که معبود و ملجأی جز او نیست، و فرشتگان و دانشمندان [نیز گواهی دادند]. معبود و ملجأی جز نیست او که عزیز و حکیم است. به راستی دین نزد خدا اسلام است، و آنان که به ایشان کتاب [آسمانی] داده شده، اختلاف نکردند، مگر پس از آنکه علم و آگاهی برای آنان آمد، آن هم بخاطر سرکشی و حسدی که میان آنان بود. و هر کس به آیات خدا کافر گردد، پس محققاً خدا سریع الحساب [زود شمار] است [و به حساب او می‌رسد].»

۴- سورة نساء، آیه ۸۷:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعََنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾.

«خدایی که هیچ معبود و پناهی جز او نیست، و یقیناً همه‌ی شما را در روز قیامت، که شکی در آن نیست، جمع می‌کند، و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟».

۵- سورة توبه، آیه ۱۲۹:

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾.

«پس اگر اعراض کردند بگو: خدا مرا کافی است، نیست معبود برحق جز او، بر او توکل کرده‌ام و اوست پروردگار عرش بزرگ».

۶- سورة طه، آیه ۸:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾.

«خدائی که الهی جز او نیست، مخصوص اوست نام‌های نیک».

۷- سورة الحشر آیات ۲۲-۲۴:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.

«اوست خدایی که معبود و ملجأی جز او نیست، دانای غیب و آشکار است، اوست رحمن رحیم. اوست خدایی که معبودی و ملجأی جز او نیست، پادشاهی نهایت پاک، منزّه [و سالم از هر عیب]، ایمنی بخش، نگهبان پیروزمند، جبار [جبران کننده] و با تکبر است. خدای [کامل الذات والصفات] از آنچه [برای او] شریک می آورند منزّه است. اوست خدای آفریننده هستی، دهنده صورت گری که نام‌های نیکو مخصوص اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او تسبیح می کنند، و اوست شکست ناپذیر حکیم».

۸- سورة تغابن، آیه ۱۳:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾.

«خدای [مستجمع جمیع کمالات]، جز او معبود به حق نیست؛ و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند».

این آیات که مشتمل بر اسماء حسنی الهی و قرائت آن مفید است ضمیمه دعا‌های قرآنی شد تا مؤمنین و مؤمنات حفظ کنند و فوائد بسیاری ببرند. والسلام علیکم.

سَيِّد ابوالفضل ابن الرضا
(علامة برقعى)